

## مَثَل شخص باجگیر و فریسی

اریک ریموند

زمان کشف نقطه‌ی اوج یک داستان لحظه‌ای هیجان‌انگیز است، در لوقا ۱۸ : ۹-۱۴، ما با یک نقطه‌ی اوج روبرو هستیم. دو مرد برای دعا به معبد می‌روند. یکی که انتظار دارید در آنجا ببینید - فریسی. دیگری که با دیدن آن تعجب خواهید کرد، یک باجگیر است که شخصی مطرود به حساب می‌آید، کسی که به نزدیکان خود خیانت کرده است.

هر دو برای دعا به معبد رفته‌اند اما در نهایت فقط یکی از آنهاست که دعایش شنیده می‌شود. شگفتی این که آن شخص همان باجگیر است، نه رهبر مذهبی. چگونه این اتفاق می‌افتد؟ لوقا پیشاپیش به ما می‌گوید: "این مَثَل را آورد برای بعضی که بر خود اعتماد می‌داشتند که عادل بودند و دیگران را حقیر می‌شمردند" (آیه ۹). این داستان غرور و فروتنی در برابر خداوند است و چیزی که در این مَثَل عیسی می‌بینیم کوچک شدنی است که به بزرگ شدن می‌انجامد. فریسیان به تظاهر و مذهبی نشان دادن خودشان در ملاء عام معروف بودند (۲۰: ۴۷). در مَثَل ما، فریسی به معبد می‌رود و دعا می‌کند. دعای او چند چیز را در مورد او آشکار می‌کند. اول اینکه، او یک چوب اندازه‌گیری با خود دارد. او مشتاق است خود را با دیگران بسنجد. او بعد از گفتن چند کلمه‌ی کوتاه به‌عنوان شکرگزاری نسبت به خداوند، اندازه‌گیری‌های خود را فاش می‌کند. او مانند مردان دیگر نیست؛ در واقع، او بهتر از آنهاست، البته زمانی که او خود را با دیگران، به‌ویژه وقتی در برابر این باجگیر اندازه‌گیری می‌کند (۱۸ : ۱۱)، و خود را برتر و بهتر اعلام می‌کند. این کار او به همان اندازه که بین مردم

معمول است خطرناک است. ما اغلب خودمان را با دیگران مقایسه می‌کنیم، اما در نهایت هیچ معنایی ندارد. معیار عدالت خداست نه دیگران. غرور چشمان آن فریسی را کور کرده بود.

دوم این که او لیستی در مورد اعمال خود همراه دارد. به اشاراتی که به کارهای مذهبی‌اش می‌کند توجه کنید. می‌گوید: "هر هفته دو مرتبه روزه می‌دارم و از آنچه پیدا می‌کنم، ده یک می‌دهم" (آیه ۱۲). او برای کارهایی که انجام داده به خود می‌بالد. همان‌طور که عیسی گفت، او به خود اعتماد دارد که عادل است. آیا شگفت‌انگیز نیست، که این مرد در معبد در پیشگاه خدا در دعا به خود می‌بالد؟ آیا او می‌داند که با چه کسی صحبت می‌کند؟ او لیست اعمالش را برای خدا می‌خواند، طوری که انگار می‌خواهد خدا را تحت تأثیر قرار دهد. در نهایت، به نظر می‌رسد که او با خودش صحبت می‌کند تا با خدا. اگر به جای اعتراف به گناهانمان در برابر خدا به خودمان مباحثات کنیم، در شرایط خطرناکی هستیم.

اما آن مرد دیگر، او باجگیر است. اگر دست فریسی پُر باشد، دست او خالی است. همه چیز درباره‌ی او پشیمانی و شکستگی را آشکار می‌کند (آیه ۱۳). فروتنی او از تداومش در دعا می‌آید. او دور ایستاده زیرا به دلیل گناهش از خدا جدا شده است. او از گناه خود خجالت می‌کشد، بنابراین حتی چشم خود را به آسمان بلند نمی‌کند. برای نشان دادن اندوه خود به سینه‌ی خود می‌کوبد و برای دریافت رحمت خدا ناله سر می‌دهد زیرا می‌داند گناهکاری است که به شدت به آن نیاز دارد.

او چقدر با فریسی فرق دارد؟ باجگیر به جای اینکه به دنبال عدالت باشد، از خدا طلب رحمت می‌کند - زیرا او عدالتی ندارد. حتی نحوه‌ی التماس او نشان‌دهنده‌ی فروتنی اوست. درخواست بخشش، فریادی است برای گریز از غضب خدا تا با رحمت و محبت از او برداشته شود (به معنای واقعی کلمه "تا غضب خدا فرونشاند")

شود“). ما این گناهکار محکوم را می‌بینیم که در معبد فروتن شده است. سینه‌اش از کوبیدن ناامیدانه‌اش سرخ شده، صدایش از گریه‌ای که برای رحمت خدا می‌کند خشن گشته و سرش پایین است.

عیسی داستان را با گفتن این جمله به پایان می‌رساند که: “این شخص، عادل کرده شده به خانه‌ی خود رفت به خلاف آن دیگر، زیرا هر که خود را برافرازد، پست گردد و هرکس خویشتن را فروتن سازد، سرافرازی یابد“ (آیه ۱۴).

دستان فریسی پر از خودپرستی بود، عدالتی ساختگی. اما دستان باجگیر خالی بود. با این وجود آن باجگیر بود که عادل محسوب شده و به خانه رفت. او در نظر خدا عادل اعلام کرده شد. هیچ‌کس با توکل بر خود در حضور خدا عادل شمرده نمی‌شود. تنها راه برای عادل بودن یا کامل ماندن در نزد خدا، اعتماد به عدالت دیگری است. مردی که مثل را می‌گوید، خود عیسی، عدالتی را حاصل کرد که برای ایمانداران به حساب می‌آید، زیرا فقط با ایمان دریافت می‌شود (رومیان ۵: ۱؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱). این مایه‌ی فروتنی است که بدانیم چیزی برای ارائه به خدا نداریم. اما این کاملاً فرصتی برای شادی است که بدانیم هر چیزی که نیاز داریم در مسیح یافت می‌شود. این طریق سرافرازیِ فروتنان است.

کشیش اریک ریموند، شبان ارشد کلیسای ردیمر فلوشیپ در واترتاون، ماساچوست است. او نویسنده‌ی کتاب Chasing Contentment می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.